



الدرس الثالث (درس سوم)

كَانَ حَمِيدٌ وَسَعِيدٌ أَخَوَيْنِ فِي مَزْرَعَةِ قَمْحٍ؛ فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَغَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرَ «سَعِيدٍ» وَقَالَ لَهُ: «أُخْرِجْ مِنْ مَزْرَعَتِي حَمِيدٌ وَسَعِيدٌ دُو بَرَادِرِ دَرِ يَكِ مَزْرَعَه گندمی بودند؛ در یکی از روزها میانشان دشمنی افتاد و برادر بزرگ تر حمید بر برادر کوچک تر خشم گرفت و به او گفت: «از مزرعه ام خارج شو.

وَقَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لَزَوْجَةِ سَعِيدٍ: «أُخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.» وَهَمْسَرُ حَمِيدٍ بِهِ هَمْسَرُ سَعِيدٍ كَقَالَ: «أَزْ خَانَه مَان خَارِجِ شَوْ.»
فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ فِي صَبْحِ يَكِي از روزها مردی در خانه حمید را زد؛ وقتی که در خانه را باز کرد؛

شَاهِدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ: مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟ نَجَّارِي رَا دِيد وَ اَز او پرسید: «از من چه می خواهی؟!

أَجَابَ النَّجَّارُ: أُبْحِثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟ نَجَّارٌ جَوَابَ داد: «دَنبَالِ کاری می گردم (در جست و جوی کاری هستم)؛ آیا کاری داری؟»

فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَ حُلُّهَا بِيَدِكَ.» حَمِيدٌ كَقَالَ: «الْبَتَّة؛ مُشْكِلِي دَارَم وَ حَلَّ آن در دست توست.

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟» نَجَّارٌ كَقَالَ: «مُشْكِلَتِ چِیست؟»

أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَعَدَوِي؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛

حَمِيدٌ جَوَابَ داد: «آن خانه همسایه ام است؛ او برادرم و دشمنم است؛ به آن رودخانه نگاه کن؛ او مزرعه را با آن

نهر (جوی) به دو نیم تقسیم کرده است؛ www.my-dars.ir

إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ لِأَنَّهُ غَضَبَانُ عَلَى. عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْزَنِ؛ رَجَاءً، اصْنَعْ جِدَارًا خَشَبِيًّا بَيْنَنَا وَنَهْرًا كَنَدَه است؛ زِيرَا
بر من خشمگین است. چوب های بسیاری در انبار دارم؛ لطفاً دیواری چوبی میان ما بساز.

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.» عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ سِيسَ بِهِ نَجَّارٌ

كَقَالَ: «مَنْ بِهِ بَازَارِ مِي رُوم وَ بَعْد از ظَهر برمی گردم.» هَنَگَامِي كَه حَمِيدٌ بَعْد از ظَهر به مزرعه اش برگشت خیلی

تَعَجَّبَ كَرْد؛



النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَقَالَ لِلنَّجَّارِ: «مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

«نَجَّار دیواری ن ساخت؛ بلکه پلی را روی نهر ساخت، پس حمید خشمگین شد و به نَجَّار گفت: چه کار کرده ای؟ چرا پل ساخته ای؟!»

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَشَاهَدَ جِسْرًا فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛ فِي هَذَا الْوَقْتِ سَعِيدٌ رَسِيدٌ وَبَلَى رَا دِيدٌ وَگمان کرد که حمید به ساختن پل دستور داده است

فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَبَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَقَبَّلَ أَخَاهُ وَاعْتَذَرَ؛ پس، از پل عبور کرد و شروع به گریستن کرد و برادرش را بوسید و عذرخواست؛

ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَشَكَرَهُ وَقَالَ: «أَنْتَ ضَيْفِي لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.» حَمِيدٌ بِهِ سَوَى نَجَّارٍ رَفَتْ وَازَاو تَشَكَّرَ كَرْدُ وَگفت: «تو برای سه روز مهمان من هستی.»

اعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَقَالَ: «جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ عَلَى الذَّهَابِ لِصُنْعِهَا.» نَجَّارٌ عَذْرَوَاحِي كَرْدُ وَگفت: «پل های زیادی مانده است؛ باید برای ساختن آنها بروم.»

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ: إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَجَارُ السَّوَاءِ. دُو تَن خَدَاوَنَد بِه أَنَهَا نَگَاَه نَمِي كَنَد: بُرَنَدَه پِيُونَدِ خويشان و همسایه بد

*درستی و نادرستی صفحه ۳۲ ۱-درست ۲-نادرست ۳-نادرست ۴-درست ۵-درست

*پاسخ تصاویر صفحه ۳۲ ۱-برای چه تو تنهایی؟ با همکلاسی هایت بازی کن (مذکر) ۲-برای چه تو تنهایی؟ با هم کلاسی هایت بازی کن (مونث)

*پاسخ تمرین اول صفحه ۳۴ ۱-درست ۲-نادرست ۳-درست ۴-درست ۵-نادرست

*پاسخ تمرین دوم صفحه ۳۴ ۱-لطفا، با ما فوتبال بازی کن (مذکر) ۲-لطفا، با ما فوتبال بازی کن (مونث)

*پاسخ تمرین سوم صفحه ۳۵ ۱-پروردگارا ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را ببخش و به ما رحم کن و تو بهترین

مهربانان هستی. ۲-برای من یاد خوب در (میان) آیندگان قرار بده. ۳-پروردگارا ما ایمان ایمان آوردیم

پس ما را همراه گواهان بنویس ۴-ما را بر گروه کافران پیروز کن.



* پاسخ تمرین چهارم صفحه - ۳۵ مفرد موث: زَوْجَة مثنای مذکر: جِسْرَيْنِ مثنای موث: تَلْمِیذَتَانِ
جمع مذکر سالم: رَاحِمُونَ جمع موث سالم: صَالِحَات جمع مکسر: صِعَاب

* پاسخ تمرین پنجم صفحه - ۳۶ ۱- ای برادرم، سخن معلم مان را بشنو. ۲- ای خواهرم، سخن معلم مان را بشنو ۳-
ای دانش آموز، پروردگارت را شکر کن (مذکر) ۴- ای دانش آموز، پروردگارت را شکر کن (موث)

* پاسخ تمرین ششم صفحه - ۳۶ ۱- اِرْحَم ۲- جِسْرًا ۳- قَسَمَ ۴- رَقَدَ ۵- غَضْبَانُ ۶- مَصْنَعِ

* پاسخ تمرین هفتم صفحه - ۳۷ جَمَالٌ ≠ قُبُحٌ / تَلْمِیْذٌ = طَالِبٌ / عِنْدَمَا = لَمَّا / حَزِينٌ = مَحْزُونٌ / شَقَاوَةٌ ≠ سَعَادَةٌ

* ترجمه (كُنْزُ الْحِكْمَةِ) صفحه - ۳۷ ۱- بدان که پیروزی همراه بردباری است. ۲- خدا را شکر نمی کند کسی که از
مردم سپاسگزاری نمی کند. ۳- ناتوان ترین مردم کسی است که از بدست آوردن برادران ناتوان است. ۴- هرگاه بر

دشمنت چیره شدی پس بخشش را شکرانه تسلط بر او قرار بده. ۵- دانش و مال هر عیبی را می پوشاند و نادانی و فقر
هر عیبی را آشکار می کند.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir